



گفت‌وگو با کارگردان سریال «منطقه دوردست» که به تازگی از شبکه چهار پخش شد

## احیای صحنه‌های خاک خورده استرالیا

همگان می‌دانند که سریال «منطقه دوردست» نسخه طولانی‌تر شده درام تاریخی حماسی سینمایی «استرالیا»ی باز لورمن است که به‌صورت مینی‌سریال نمایش موفقیت‌آمیزی در سال گذشته میلادی داشت. این فیلمساز استرالیایی تبار در گفت‌وگوهایش به مناسبت پخش این مجموعه تلویزیونی به صحبت درباره جوانب مختلف آن پرداخت و توضیح داد که چرا دوباره به دیدار این داستان حماسی رفته و به شکل جدیدی آن پرداخته است.

مهکامه درودی

مترجم



عموم مردم هستند. از خودم پرسیدم چرا با استفاده مطلوب از صحنه‌های انبار شده، یک سریال خوب و تماشایی درنیاریم. نیازی به انجام فیلمبرداری مجدد یا خرج کردن پول و سرمایه تازه هم نبود. همه چیز آماده بود و فقط لازم بود که یک تدوین مجدد و خوب انجام شود تا بتوانیم یک مینی‌سریال درست کنیم. این وسوسه مرا رها نکرد و بالاخره با تهیه‌کنندگان وارد صحبت و مذاکره شدم. تا حد زیادی اطمینان داشتم که آنها هم با نظر من موافق خواهند بود.

**دیدار و ملاقات دوباره و تازه با این اثر چگونه بود؟**

در کنار یادآوری خاطرات زمان تولید استرالیا، مرا وارد دنیایی تازه کرد که به کمک آن می‌توانستم داستانم را بسط داده و شخصیت‌ها و موقعیت‌ها را بهتر و گسترده‌تر مورد مکاشفه قرار دهم. در سریال امکان آن فراهم شد تا به شکل بهتر و موثرتری درباره

**بعد از تبدیل استرالیا به یک سریال تلویزیونی، مشخص شد که راسل کرو انتخاب اول شما برای حضور در این پروژه بوده است.**

بله. من ابتدا کرو را برای بازی در نقش اصلی مرد در نظر داشتم. او انتخاب بهتری بود، زیرا در کارنامه‌اش تعداد بیشتری فیلم غیرمتعارف و اجتماعی داشت. اما بعد از صحبت‌هایی که داشتیم، حاضر به بازی نشد. باورش این بود که دیگر نباید به صورت مجانی برای کمپانی‌های بزرگ فیلمسازی بازی کند و زمان انجام کارهای خیرخواهانه توسط او به سر رسیده است. صراحتاً بگویم که مشکل اصلی او با تهیه‌کنندگان بر سر مسائل مالی و رقم دستمزد بود. کرو ابتدا دلیل اصلی ترک پروژه را اعلام نکرد، اما مدتی بعد شنیدم که صادقانه در این باره صحبت کرده و موضوع را به اطلاع رسانه‌ها رسانده است.

**زمان فیلمبرداری نسخه سینمایی، به تبدیل آن به سریالی تلویزیونی فکر می‌کردید؟**

خیر، اصلاً. آن زمان تصور و باورم این بود که فیلمی حماسی در مقیاس و اندازه‌های آثار حماسی و کلاسیک تاریخ سینما بسازم، حتی تا سال‌ها بعد از نمایش عمومی فیلم هم به این موضوع فکر نکرده بودم. چند سال قبل بود که در جریان دیدار با تعدادی از عوامل فیلم، در این باره هم حرف زدیم که مقدار زیادی از صحنه‌های فیلمبرداری شده در آن زمان، در انبار خاک می‌خورد و کسی سراغی از آنها نگرفته است.

به تدریج این فکر به ذهنم آمد که می‌توان از این راش‌ها و صحنه‌های حذف شده، یک چیز خوب بیرون آورد. همه می‌دانیم که سریال‌های تلویزیونی چه کوتاه و چه بلند، مورد توجه و علاقه

افسانه و میراث نسل دزدیده شده بومیان اصیل استرالیا صحبت شود و موقعیت آنها مورد بررسی قرار گیرد. این نکته‌ای بود که در نسخه سینمایی نتوانستم (یا نشد) مورد مکاشفه و بحث قرار دهم. در عین حال در نسخه تلویزیونی شرایط خوبی فراهم آمد تا دو شخصیت سارا و راننده و شرایط ویژه‌ای که در آن ناچار شدند در کنار یکدیگر قرار گیرند را معرفی و مورد تحلیل قرار بدهم. این دو از دو دنیای متفاوت آمده بودند و ناگهان در جایی در کنار هم قرار می‌گرفتند و این موضوعی بود که جای خوبی برای پرداخت داشت. این چیزی است که تماشاگران هم دوست دارند به تماشایش بنشینند.

**فیلم استرالیا زمان نمایش عمومی نقدهای مثبت چندانی دریافت نکرد، اما هیچ‌یک از نقدهای سینمایی در این رابطه اظهار نظر نکرد که زمان نمایش آن می‌باید طولانی‌تر می‌بود. حالا تماشاگران با سریالی سروکار دارند که زمانی طولانی‌تر از آن فیلم سینمایی طولانی دارد. آیا برای شما مدت زمان فیلم یا سریالی که می‌سازید، جزو مسائل مهم است؟**

مدت زمان هر اثری را خود آن اثر است که تعیین و انتخاب می‌کند و نه خواست شخصی من. هر فیلم یا سریالی که می‌سازم، مدت زمان خاص خودش را باید داشته باشد و خواهد داشت. این نکته مثل سروکله

**و با این کار برای هر دو گروه منتقدان و تماشاگران این موقعیت را فراهم کردید تا آنها هم نگاهی تازه و متفاوت به پروژه‌تان بیندازند.**

و باید خیلی مراقب هم باشید، زیرا نسخه سینمایی در آمریکا چندان تحویل گرفته نشد. این در حالی است که برخورد اروپایی‌ها با آن خیلی خوب بود. دلیل این برخورد متفاوت را هیچ وقت نفهمیدم، اما زمان تولید سریال کاملاً حواسم بود که این‌گونه برخوردها و واکنش‌های متفاوتی وجود داشته و حالا این مجموعه باید بتواند مورد توجه و قبول عموم تماشاگران قرار گیرد.

**افزودن صحنه‌های دیده‌نشده در کنار خلق ساختار اپیزودیک، ریتم کلی کار را خراب نمی‌کرد؟ متوجه این مسأله بودید که شاید تبدیل فیلمی سینمایی به سریالی تلویزیونی، نتواند جواب لازم را بدهد؟**

پرسش خیلی خوبی است. فکر می‌کنم یکی از دلایل مهمی که توانستم از عهده اجرای این موضوع برآیم، اشراف کامل بر داستان و کل پروژه بود. من از ابتدا به دنبال خلق ملودرامی اجتماعی-جنگی با پس‌زمینه مسائل و مشکلات بومی‌های استرالیا بودم. در نسخه تلویزیونی قرار نبود از این محدوده خیلی دور یا خارج شوم.

